

مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

تمام زندانیان سیاسی باید آزاد شوند

و از جمله نظر متفق همه ناظران بین المللی، در رفتار بازندانانی سیاسی ایران از مرحله بازداشت تا محاکمات حتی ابتدائی ترین موازین حقوق بشری رعایت نمیشود و زندانیان سیاسی هدف انتقام کشی خشونت و بربریت رژیم قرار دارند. زندانیانی که نه به تشخیص قوانین معتبر داخلی و بین المللی بلکه بموجب سرشت تبه کار و شریر بختیارها، نصیری ها و فانی ها و در اجراء اراده يك شاه مستبد زندانی شده اند، هیچ جرمی جز میهن پرستی و مردم دوستی ندارند و به همین جهت افکار عمومی ایران و جهان، آزادی آنها را خواستار است. کهن ترین زندانی سیاسی جهان رفیق صفر همرمائی دنباله در صفحه ۲

خانواده هلی خود باز گشته اند. ولی واقعیت آنست رژیمی که محصول کودتای ۲۸ مرداد و سلطه دست سزمانهای جاسوسی آمریکا و انگلیس است، برای تحمیل خود ب مردم بمشابه يك رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک، طی موجودیت ۲۳ ساله خویش، سازمان جاسوسی ساواک و سر نیزه هلی پلیس و ارتش را تکیه گاه خود قرار داده و همه مخالفین خود را در هر لباس و با هر عقیده سیاسی و اجتماعی، زندانی ساخته است. عده ای از بازداشت شدگان در دادگاههای غیرقانونی نظامی محکوم و عده دیگری حتی بدون ارجاع پرونده آنها به دادگاه در فراموشخانه های شاه بسر میبرند. طبق مدارک متعدد

کامیابی وسیع علیه ترور و اختناق رژیم شاه و انکشافهای گوناگون را از سوی رژیم موجب شده است. از جمله آنها، آزادی ۶۶ تن زندانی سیاسی است که همراه با عکس و تفصیلات و تبلیغات - مرسوم در روزنامهها و رادیو - تلویزیون ایران باز تاب یافت. گردانندگان رژیم میخواهند اینطور جلوه دهند که گویا بر اثر عطوفت و بخشش شاهنشاه، عده ای از گناهکاران نادم، از درون زندانهای ایران به آغوش

نگاهی به بودجه سال ۱۳۵۶

لایحه بودجه سال ۱۳۵۶ تا تأخیر بسیار فراوان جاری برای تصویب در اختیار مجلس گذارده ن تأخیر نتیجه تجدید نظری بود، که بعلمت درآمد نفت در ثلث اول ماه ژانویه، میبایست تنظیمی بعمل آید. هوبدا در حالیکه در برابر نکاسی خبر نگرانان، مانند همیشه، کیف خود ست بلند کرده بود، اعتراض کرد که این بار سبکتر از همیشه است. ولی در گزارش خود، بدون آنکه به سبکی کیفش اشاره کند، تر شدن وزن در آمد های غیر نفتی بودجه را یا از وابستگی يك جانبه امور مالی دولت به نفت میکاهد، یکی دیگر از موفقیتهای و افتخارات بود، البته زیرفرماندهی شاهنشاه، اعلام نمود. بر سی این بودجه از عهده نوشته کوتاهی نم، خارج است. باینجهت ما اینجا فقط به نکته در باره آن بسنده میکنیم:

سهم نفت و گاز در تأمین درآمد هلی بودجه ۱۳ رقمی برابر ۷۶٫۶ درصد را تشکیل میداد. نجه سال ۱۳۵۶ پیش بینی میشود که این ۷۰٫۸ درصد کاهش خواهد یافت. و در عوض آمد هلی غیر نفتی (بطور عمده در آمد های از گاز ۱۳٫۴ درصد، از ۲۹٫۲ درصد خواهد این ارقام نشان میدهد که تغییر ترکیب درآمد نچنان ناچیز است که جانی برای هیاهوی تبلیغاتی گذارد. بعلاوه این تغییر نه در نتیجه گر گونی هلی مالی و اجتماعی و نه در اثر دور اندیشی، بعین رژیم انجام گرفته، بلکه معلول کاهش میزان خریدنفت از طرف انحصار هلی نفتی بوده به دولت تحمیل شده است. (یاد آور میشودیم نفت و گاز در درآمد عمومی دولت در سال پیش یکسال پیش از افزایش جبهی در آمدنفت که باعتراف شاه در مقابل حسین هیکل روزنامه وفامصری نقشی در این افزایش نداشته، ۶۲٫۴ درصد باینده همینجا اضافه کنیم، که مسئله افزایش سهم درآمد دولت بطور کلی مطرح نیست، بلکه بر سر چگونگی افزایش (از راه بالا رفتن و یا افزایش صدور نفت) و نیز بر سر

توطئه علیه اوپک، توطئه ایست دامنه دار

در شایعه پراکنی محافل امپریالیستی علیه اوپک شریک است. در ریاض نیز مانند واشنگتن و لندن چنین قلمداد میکنند که گویا اوپک در حال از هم گسستگی و از هم پاشیدگی است.

آنچه بدان اشاره کردیم نشان میدهد که توطئه محافل امپریالیستی ب سرمداری امپریالیسم آمریکا و کارتل علیه کشور هلی نفت خیز در حال رشد، توطئه ای دامنه دار است. موضوع امپریالیسم در این توطئه بر محاسبات منطقی اقتصادی و مالی که توجیه کننده زیان يك طرف و یا نفع طرف دیگر باشد، بنا گذاشته نشده که بتوان با ارائه دلایل متقن بسود اوپک آنرا تغییر داد. امپریالیسم و کارتل میخواهد ثروت نفت کشور هلی نفتخیز در حال رشد را غارت کند و به استثمار و تسلط خود بر صنایع و بازرگانی جهانی نفت ادامه دهد. دولت عربستان سعودی، گرچه دولت يك کشور نفت خیز در حال رشد است ولی از آنجا که دولتی دست نداشته و ارتجاعی است، بسود امپریالیسم عمل میکند و مجری توطئه کارتل است. از اینرو ساده لوحی است اگر برخی زمامداران اوپک چنین پنداری داشته باشند که گویا با تصایح مشفقانه و پیشنهاد هلی مصالحه آئیز می توانند توطئه امپریالیسم و کارتل را خنثی سازند. این توطئه را فقط با مبارزه قاطع میتوان خنثی ساخت. باید گفت واقعیت اخیر برلی آن دول عضو اوپک که روش قاطعی در حفظ منافع ملی خود در نفت داشته و دارند واقعیت شگفته شده ایست. بر همین مبنا است که مثلا دولتهای الجزایر، عراق، لیبی و سپس نیجریه و ونزوئلا به اقدامات قاطعی در زمینه حفظ و امتیازی حقوق ملی در نفت در سالهای گذشته مبادرت ورزیده اند. در این کشور ها صنایع نفت ملی شده و قرار داد های امتیازی نفت لغو شده اند. همچنین در جهت جلوگیری از آسیب پذیری اقتصاد ملی و صنایع نفت در قبال تحریکات انحصارات نفتی اقدامات مهمی صورت گرفته است.

خود داری از افغان بدام سابقه تسلیماتی، اختصاص مبالغ عمده از درآمد نفت به اجرای برنامه های اقتصادی و عمرانی، توجه برفع عقب ماندگی ها در زمینه های اجتماعی و نظایر اینها اقداماتی است که مثلا بدولت الجزایر امکان داده است تا حد زیادی از آسیب پذیری خود در مقابل توطئه امپریالیسم و کارتل بکاهد. گذشته از اقدامات اساسی در داخل، استقرار پیوند های گسترده اقتصادی و فنی میان این کشورها و دول سوسیالیستی، بویژه در زمینه صنایع نفت، نظیر آنچه در جمهوری عراق صورت گرفته، عوامل عمده ای هستند که به این دولتها امکان داده است، تا از منافع ملی خود در نفت با قاطعیت دفاع کنند و امتیازی حقوق ملی در نفت را از قوه بقل فرآورند. این نوع اقدامات همچنین بملول ملی و مترقی عضو دنباله در صفحه ۲

امتناع دولت عربستان سعودی از پذیرش پیشنهاد همگامی با اکثریت اعضا اوپک در مسئله افزایش قیمت های نفت نشات میدهد که توطئه امپریالیسم و کارتل بین المللی نفت علیه کشور هلی نفتخیز در حال رشد، توطئه ای دامنه دار است.

ماه گذشته وزیر نفت قطر بنمایندگی از جانب اکثریت اعضا اوپک پیشنهاد مصالحه آمیزی را بدولت عربستان سعودی ارائه داد. مساحصل این پیشنهاد آن بود که در صورتیکه دولت سعودی، با قبول افزایش قیمت های نفت بمیزان ۱۰ درصد از اول ژانویه، به تصمیم اکثریت اعضا اوپک پیوندد، متقابلا اینان اجراء تصمیم افزایش پنج درصد دیگر به قیمت های نفت را که طبق تصمیم کنفرانس دوحه می بایست از اول ژانویه اجرا گذاشته شود، متوقف ساخته و آنرا به ژانویه سال بعد موکول خواهند نمود.

بنظر می رسد پیشنهاد فوق نمایانست جای هیچ گونه تردیدی در قبول آن از جانب دو عضو اوپک، یعنی عربستان سعودی و امارات متحده عرب (که در کنفرانس دوحه راه فقره آوری در پیش گرفتند) باقی گذاشته باشد. این پیشنهاد اولاً متضمن تحکیم اتحاد اوپک است که بسود همه، منجمله دو کشور اخیر عضو اوپک میباشد. ثانیاً پیشنهاد مزبور قبل از همه بسود دولت عربستان سعودی است، زیرا قبول آن باعث میشود دو میلیارد دلاری که از بلیت تفاوت در افزایش قیمت نفت هم اکنون از جانب «آرامکو» تصاحب میشود، به درآمد دولت عربستان سعودی اضافه گردد.

با وجود چنین مزایای آشکاری وزیر نفت عربستان سعودی پیشنهاد مصالحه اکثریت اوپک را رد نمود. دولت عربستان سعودی نه فقط کوششهایی را که متوجه تقویت اتحاد اوپک است بعنوان مختلف عظیم میگذارد، بلکه از ادامه تهدید افزایش بیرویه استخراج و صدور نفت بخرج نیز دست بردار نیست. بعلاوه دولت سعودی

نامه حزب توده ایران به کمیسیون حقوق بشر

عده کثیری از زندانیان سیاسی، از جمله اعضا حزب ما، در شرایط وحشتناکی در زندانهای ایران بسر میبرند. بعضی از این زندانیان هم اکنون سالهایی درازی است در زندانند. علی خلوری، عضو حزب توده ایران، مبارز و میهن پرست برجسته قریب ۱۳ سال است که در زندان است. صفر قهرمانی، عضو دیگر حزب ما، بیش از ۳۰ سال است که از آزادی محروم است. بنام حزب توده ایران، من توجه شما را به اوضاع کشورمان جلب میکنم. هیچ انسان آزادیشوای نمیتواند در قبال وضعی که در ایران وجود دارد سکوت کند. من پیشنهاد میکنم، برای آنکه کمیسیون بتواند با اوضاع مشخص ایران آشنا شود و تحقیقات لازم در محل بعمل آورد و قدمهایی لازم را بر دارد، کمیسیون تحقیقی به ایران اعزام دارد. با احترامات: ایرج اسکندری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران

تاج گل در پای مجسمه «بیاد خسرو روزبه»

روز ۱۴ بهمن بمناسبت روز شهیدان تاج گل بزرگی همراه با عکس ارانی، از جانب حزب توده ایران در پای مجسمه «بیاد روزبه» گذاشته شد. در این مراسم شهردار فیانو رومانو نیز شرکت داشت.

زندان تازه مخفی

موفق خبر موتقی که از ایران رسیده است رژیم يك زندان مخفی و مجهز و دارای ته ترسنت وسایل ساخته است. کوشش بکار میبرد محل و حتی وجود زندان کاملاً مکتوم و مخفی نگاه داشته د. ظاهراً هدف ساواک آنست که زندانیانی که مخطرناک، تشخیص میدهد باین خدمه ید مرگ منتقل کند و آنها را از دیدگان نچاکو هیئت هلی بین المللی که امکان د برای تحقیق وضع بایران بیابند دور نگاه د. زندان تازه در کنار دهها زندان گر که در سالهای اخیر ساخته شده مسلماً سمبول تازه ای از جنایات ده مشانه رژیم ل خواهد شد.

شایان توجه است که در همین ایام رژیم ایران زندان مخفی تازه ای میسازد، شیلی نیز از وجود زندان فنادید شده هاء و میسرند! این شیوه ساختن زندان مخفی لی زندانیان معخصوص، و ایجاد د کوراسیون ناهای «هانی» برای نشان دادن بهتاجریان سی از زمان هیتلر متداول بوده است. هارات اخیر طرح پهلوی به روزنامه نگار زجی در برار امکان یازدید از زندانهای ایران، بین مانور ها مربوط است.

نویسندگان و کارکنان مردم نوروز باستانی و جشن بهاری را به همه هموطنان عزیز، هواداران و رفقای حزبی صمیمانه شادباش میگویند. باشد که همبستگی مبارزان و تشدید پییکار مردم، روزرهای را نزدیک کند و شادی را در همه دلها نشانند.

نگاهی به بودجه سال ۱۳۵۶

توجهی برای مالیات شرکت های خصوصی نیز پیش بینی شده و ولی این افزایش نه از راه بالا بردن تعرفه های مالیاتی، بلکه در نتیجه باصلاح بهبود نحوه تعیین و جمع آوری مالیاتها تأمین خواهد شد. به اعتراف مقامات رسمی اکنون بیش از ۱۰ هزار شرکت ثبت شده دارای پرونده و سابقه مالیاتی نیستند و با وجود در آمد های سرشار اصلا دیناری مالیات نمیپردازند.

۲- در لایحه بودجه، برای هزینه های مستقیم نظامی کاهشی باندازه ۷٫۷ میلیارد ریال (۱٫۱ درصد) پیش بینی شده است. این کاهش که بیشتر جنبه نمائشی و سمبولیک دارد، تغییر در ماهیت سیاست نظامیگری رژیم پدید نمیآورد. زیرا، چنانکه مقامات رسمی خود تأکید میکنند، این کاهش نه از روی میل، بلکه بطور ناگزیر در اثر کاهش در آمد نفت انجام یافته است. دولت در لایحه بودجه پیش از تجدید نظر در صدد بود هزینه های نظامی را ۱۶۰۰ میلیارد یا بیش از ۲۸ درصد نسبت به سال ۱۳۵۵ افزایش دهد (افزایش هزینه های نظامی در سال ۱۳۵۵ فقط ۸ درصد بود). هزینه های نظامی رژیم اکنون به چنان میزان سرسام آوری رسیده که چه از لحاظ تناسب آن با درآمد ملی و چه از لحاظ نیاز های واقعی دفاعی کشور بهیچوجه قابل توجه نیست. در همین سال ۱۳۵۶ در فرد ایرانی، اعم از کودک شیر خوار و پیر از کار افتاده، سالانه ۲۳۵ دلار هزینه نظامی تحمیل میشود. اگر هر خانوار ایرانی را ۵ نفر فرض کنیم هزینه نظامی تحمیلی به هر خانوار ۱۸۵۰ دلار در ماه خواهد بود، بیش از درآمد متوسط خانوار های ایرانی! بودجه نظامی ایالات متحده برای سال مالی آینده ۱۲۰ میلیارد دلار پیش بینی شده که بهر فرد آمریکایی ۵۶۶ دلار در سال میرسد. این رقم در حدود ۸ درصد در آمد ناخالص (بیش از ۷۰۰۰ دلار) این کشور است.

ولی مردم ایران با در آمد سرانه ۲۰۰۰ دلار (بدایعی رژیم) باید متحمل ۲۳۵ دلار هزینه نظامی شوند، یعنی بیش از ۱۱ درصد در آمد ناخالص سرانه! دولت که چپ و راست افزایش بیسابقه هزینه های اقتصادی و اجتماعی را در بودجه سال ۱۳۵۶ بر خیزد؛ این واقعیت ها را از افکار عمومی پنهان نمیدارد. اگر این سیاست نظامیگری دیوانه وار رژیم نبود، هزینه های اقتصادی و اجتماعی را که مبالغ هنگفتی از آنها نیز صرف امور نظامی میشود، امکان داشت بجزایر بمزاتب بیشتری افزایش داد و با پیش گرفتن سیاست صحیح اقتصادی و مالی، در کوتاهترین مدت بتمام نایبمانی های اقتصادی و مالی کشور پایان داد و سطح زندگی و جمعیتشان را تا حد یک زندگی خوب و مرفه بالا برد. باید اضافه کنیم که به گفته هوبنا، این کاهش ناچیز هزینه های نظامی جنبه کاملاً موقت دارد و در سال آینده اضافه در آمد ها به تقویت نیروهای دفاعی اختصاص خواهد یافت. شاه نیز در این مورد میگوید: «فکر میکنم که اوضاع مالی قریب مشکوک روزهای اول سال مسیحی ۱۹۷۷ خیلی زود بظرف شود و ایران بتواند در آینده نزدیکی همان وظایف ملی و بین المللی خود را ایفا کند و یا بقول هوبنا به «پذیرفتن» مسئولیت های بزرگتر... در دفاع از منطقه خلیج فارس، تنگه هرمز، اقیانوس هند و نگاه به شرق» ادامه دهد.

۳- عدم تعادل میان در آمد ها و هزینه های دولت در سال ۱۳۵۶ به ارقام نجومی بیسابقه ای رسیده است. دولت برای تأمین هزینه های خود ۲۳۰ میلیارد ریال وام داخلی و ۲۵۹ میلیارد وام خارجی (جمعاً ۴۹۰ میلیارد ریال) دریافت خواهد کرد. اگر باز پرداخت وامی داخلی و خارجی و نیز سرمایه گذاریها و اعطای وام و اعتبار خارجی دولت را از این رقم کسر کنیم، باز کسری بودجه برابر ۳۱۷٫۷ میلیارد خواهد بود. و تازه، این کسری باصلاح تأمین شده است. یعنی آن کسری که دولت میخواهد از طریق دریافت وام تأمین کند. با اینهمه بودجه سال ۱۳۵۶ با کسری تأمین شده ای برابر ۱۲۲٫۷ میلیارد ریال روبرو است. در نظر گرفتن این رقم، کسری واقعی بودجه کشور به ۴۴۰٫۳ میلیارد ریال خواهد رسید، که حدود ۱۳ درصد بودجه کل کشور است! و این معنای ورشکستگی کامل مالی دولت است، اگر نتواند با افزایش صدور نفت آنرا جبران کند.

ایران کاملاً قادر است با کاستن از هزینه های مستقیم و غیر مستقیم نظامی، با پیش گرفتن سیاست اقتصادی و مالی واقعا ملی و دمکراتیک، بدون آنکه حاجتی به افزایش غیر معقول صدور نفت داشته باشد و این ثروت ملی را بفارت دهد، اقتصاد کشور را بخوبی

توطئه علیه اوک

اوک امکان داده است تا نایل به پیروزیهای مهمی را برای اوک تأمین نمایند و تحرکات امپریالیسم و کارتل را علیه این سازمان خنثی سازند.

میتوان گفت که پس از کفرانس اخیر اوک در حوضه نیز این واقعیت، که در مبارزه علیه امپریالیسم و کارتل باید با قاطعیت عمل کرد، برای برخی دول دیگر عضو اوک مشهود گردید. مثلاً این امر کاملاً قابل دقت است که دولت قطر که در ملی کرمان صناع نفت خود تردید داشت در همین اواخر اینکار را فیصله بخشید. همچنین کوششهای اخیر دولت نیجریه در همین زمینه قابل توجه و دقت است. در روز های اخیر دولت اندونزی نیز، با تجدید نظر در قراردادهای فروش نفت به انحصارات امپریالیستی ۱۷ درصد به درآمد نفت خود نسبت بسال گذشته افزود.

در بیت دول عضو اوک این واقعیت که با حرف نمیتوان بقیله با تحرکات امپریالیسم و کارتل پرداخت تنها برای دولت ایران واقعیتی ناشناخته است. در این مورد صحیحتر آنست که بگوئیم دولت ایران نمیخواهد به قبول این واقعیت تن در دهد. صنایع نفت ایران پس از آغاز توطئه اخیر امپریالیسم علیه اوک قبل از همه کشور های نفتخیز و بیش از همه آنها در معرض تحرکات کارتل قرار گرفت. این وضع باید چشم زمامداران را باز میکرد و آنان را به این نکته واقف میکرد اند که ایران با وجود امکانات مهم بالقوه مساعلی که برای دفاع از نفت خود دارد، به علت اجرای سیاست ضد ملی در نفت از جانب آنان بصورت یکی از ضعیفترین حلقه های اوک در برابر تحرکات امپریالیسم و کارتل، بلا دفاع باقی مانده است. آنچه در یکی دو ماهه اخیر میگذرد حاکیست که رژیم ایران به این مسائل نمی اندیشد و همچنان در صدد یافتن راه سازش با امپریالیسم و کارتل است و در تصمیمات متخذه نیز از برخی اقداماتی که جنبه تهدید دارد یا رفتار نیکبازانه، محدود مانده تغییرات بودجه تنها به کاهش سمبولیک هزینه های تسلیحاتی و نظامی و امتناع از تغییرات اساسی در آن در جهت تحکیم موضع ایران در قبال تحرکات امپریالیسم و نوسانات قیمت نفت، شاهد این مدعا است.

سیاست تسلیحاتی و نظامی گری رژیم در سالهای گذشته زبان جبران ناپذیر عظیمی به کشور ما وارد آورده است. به همراه از دست رفتن میلیاردها دلار در آمد نفت، اجرای این سیاست باعث شده که کشور ما در مقابله با امپریالیسم و تحرکات آن در موضع ضعیفی باقی بماند. اکنون که میبایست چنین سیاستی بکنار گذاشته شود شاه همچنان گفته های سابق خود را تکرار میکند و میگوید افزایش قیمت و درآمد نفت را برای اجرای تعهدات نظامی و استراتژی در قبال جهان غرب لازم دارد. این اظهارات زمانی بعمل میآید که تصدیق خود شاه امپریالیسم و کارتل توطئه وسیعی را علیه اوک و قبل از همه صنایع نفت کشور ما ایران به اجرا گذاشته اند.

مردم ایران میبایند از امکانات مساعد کنونی به منظور تأمین استقلال صنایع نفت ایران، کنار گذاشتن تعهدات نظامی و سیاسی در برابر امپریالیسم و پرداختن به مسائل حیاتی رفع عقب ماندگی اقتصادی و اجتماعی استفاده بعمل آید. ولی تجربه نشان میدهد که رژیم برای قبول این خواستها گوش شنوا ندارد.

م. جهان

کوشه ای از واقعیت کشوری که خود را

مدافع حقوق بشر جلوه میدهد

در آمریکا ۲۳ میلیون بیسواد وجود دارد

خبرنگار: پراودا، از نیویورک مینویسد: «ملوین» فارمر ۴۶ ساله از ایالات «کلرادو» چندی پیش سرانجام توانست نام خود را هجی کند و بدینسان یک تن از جمع بیسوادات این کشور کاسته شد. ولی معضل اساسی بر جلی ماند.

طبق آمار رسمی منتشره از طرف وزارت آموزش ایالات متحده آمریکا ۲۳ میلیون تن آمریکایی بزرگتر از ۱۶ سال مطلقاً بیسوادند. برآستی هم عجیب است که در عصر انقلاب علمی و فنی چنین وضعی در کشور آمریکا وجود دارد. بیجاست بخش هایی از نامه هایی را که متن آنها دیکته شده و کمیسیون «برنامه تعلیم خواندن و نوشتن» وزارت آموزش و پرورش ایالات متحده آنها را دریافت داشته است، در اینجا نقل کنیم: «من مرعی ۴۰ ساله هستم، کار گرم، تمام عمر آرزویم این بوده که راننده کامیون شوم. اما برای اینکار باید لااقل بتوانم تابلوهایی را که در طول جاده ها نصب است بخوانم. بمن کمک کنید. امضاء د. بلوم».

«من مرعی ۲۳ ساله ام. نمیتوانم برای خود کار پیدا کنم. زیرا سواد ندارم. شنیده ام که شما میتوانی نوشتن بمن بیاموزید».

چندی پیش تازه فهمیدم که مذهبت برای خوراک خانواده ام قوطی های کنسرو مخصوص سگها را میخریم، زیرا نمیتوانستم نوشته روی قوطی کنسرو را بخوانم».

اینست گوشه ای از واقعیت «مهد آزادی» و «کشور دفاع از حقوق بشر» که وازده هایی چون سولزیتسین ها و کوچک ابدال هایشان بدان پناه برده اند.

تلم زندانیان سیاسی

از آنجست سی سال از بهترین دوران عمر خود را در زندان گذرانده که درصاف مبارزان دیر جنبش دمکراتیک آزادیجیل، برای تأمین حقوق خلق خود و سایر خفتهای ایران رژیمه است. افسران قهرمان حزب توده ایران علی محمدی، عباس حجری، تقی کی، نش، رضاشلوکی، محمد اسمعیل ذوالقدر و ابو تراب باقرزاده که ۲۳ سال است در زندان های شاه بسر میبرند، افتخار شرف گذشتن از سر رفاه و پول و وجهه و منصب، رداطاعت کور کورانه، پیوستن به مبارزه مردم و مبارزه برای نیکی و بهروزی محرومان و ستمکشان میهن خود بوده است. سایر زندانیان حزب توده ایران نیز این افتخار برقرار کشان میبرخشند که پیشگامان مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع بوده اند. انگیزه همه گروهها و اقوامی که در سالهای پس از کودتا باز داشت و زندانی شده اند، صورتی از توسل این یا آن گروه و سازمان به برخی از شیوه های تا درست مبارزه - که ما با آن صریحاً مخالفت کرده ایم - دفاع از مردم، طرد امپریالیسم و ارتجاع حاکم بوده است.

قانون اساسی ایران، شکل حکومتی کشور را سلطنت مشروطه اعلام کرده، یعنی شاه را از دخالت در امور کشور منع کرده است. حال در شرایطی که یک شاه خودکامه، نیکتاتوری فرعی خویش را جانشین سلطنت مشروطه ساخته و سو کند خود را در پاسداری از قانون اساسی شکسته است، اگر قرار باشد که نافعین قانون اساسی مجازات شوند - که باید هم مجازات شوند - آیا این شاه و اطرافیان او هستند و یا مبارزانی که برای پاسداری از ثمرات انقلاب پدران خود قد علم کرده اند؟ اعلامیه حقوق بشر میگوید: «هر کس حق دارد بر قراری نظمی را بخواهد که از لحاظ اجتماعی و بین المللی، حقوق و آزادیهای او کمتر اعلامیه ذکر گردیده است، تأمین کند و آنها را بمورد اجرا در آورد». حال اگر رژیم تمام حقوق و آزادیهای مردم، مصرحه در اعلامیه حقوق بشر را نقض کرد و اراده یک تن را جانشین همه کس و همه چیز ساخت، آیا مردم حق ندارند علیه چنین رژیمی مبارزه بر خیزند و برای جانشین سلطنت آن با نظمی که حقوق و آزادیهای مردم را محترم شمرده اقدام کنند؟ طبیعتی است که این بدبخت ترین، مشرعتترین و قانونی ترین حق هریارانی که طبق قانون اساسی و چه بموجب اعلامیه حقوق بشر است، بنا بر این هزاران مبارزی که در زندانهای شاه گرفتار آمده اند، نه تنها جرمی مرتکب نشده اند، بلکه قربانیان یک رژیم خود کامه اند که زندگی خود و خانواده هایشان، سالیان دراز در چنگال مهیب جانوران سلواک تباه شده است. از آنجست است

برادران تاج

اخیراً جیمس کارتر رئیس که ملک حسین پادشاه اردن، که شاه «برادر عزیز» خود خطاب میکند، از سازمان آمریکا «سیا» سالانه بیش از ۷۵۰ هزار دلار میداشته و شخصاً یکی از خبر چینیان این سازمان کارتر در هفته نخست زمامداری خود این سالانه را قطع کرده است. ملک حسین در مقابل غیر قابل انکار مجبور به اعتراف شده است و توجیه عمل خود متذکر شد که وی «سیا» را از دولت آمریکا میداند چون مواضع دولت اردن جهانی عین مواضع آمریکاست لذا با «تشک» مبلغ را بعنوان کمک دریافت میداشته است! تاویز لندن ضمن انتشار این خبر افزوده است که هاشمی اردن در ۱۹۲۲ از انجمن سروس مقرب میباشته و پس از جنگ جهانی دوم پرداختن به «سیا» و انگیزه شده است. روزنامه «ایتر نشنل هرالد» تریبون «در شماره ۲۵» ۱۹۷۷ تحت عنوان «پرداختن سیا به لیدرها» مقاله ای بقلم جیمس هوگاند، نگاشته و ضمن افشاء تنش ملک حسین، و کمال احصاء ملک فیصل و رئیس سازمان امنیت عربستان سعودی شاکر میکی از دلالت اسامه و ملک پادشاه عمان را نویسد: «شاه محمد رضا پها سلطان دیگری است که دارای ارتباطات تر» «مسیا» است.

البته این اطلاع تازگی ندارد و تنش خانواده های اردن هاشمی و پهلوی طی نیم قرن ا لحاظ رابطه با امپریالیسم روشن است و مدتهاست این «برادران تاجدار» از یغر و پسر به جاسر خیانت سرگرمند.

که خواست همه مردم ایران در طی این سالها، تلم زندانیان سیاسی، همه فرزندان رشید و پیکر خلعتی ایران از زندانهای شاه بوده و در این سرسختی مبارزه کرده اند.

تعداد زندانیان سیاسی بلرستی معلوم نیست. در حالیکه برخی اسناد این تعداد را ۲۵ تا ۱۰۰ ذکر کرده اند، شاه در مصاحبه های خود که در دروغ، جعل و تحریف است ارقام متفاوتی را ارائه کرده است. ۳۰۰۰، ۳۲۰۰، کمتر از ۴۰۰۰ ارقامی است شاه اعتراف کرده و قطعاً با واقعیت تطبیق نمیکند. اختلاف شدید و بستن در زندانها بر روی مردم و بین المللی تعیین رقم صحیح زندانیان سیاسی را ساخته است. آنچه مسلم است تعداد زندانیان چندین برابر ارقام اعتراف شده از جانب شاه است. بر این اساس آزادی ۶۶ تن از چندین ده هزار تن و مرد میهن پرستی که در زندانها هستند، فقط مانور تبلیغاتی بمنظور آرام سلختن افکار عمومی بر مردم ایران و جهان، علیه رژیمی است که تمام حقوق بشری را نقض کرده است. اما اینگونه نتیجه مغلوب را برای شاه ببار نخواهد آورد. خواستار آنند که مجلس قانون عفو عمومی را تصد کند و تمام زندانیان سیاسی بموجب این قانون

آقوش خانواده های خود باز گردند و نه با سزایهای موهن و نفرت انگیز جلدوسان ساز هم اکنون چند صد نفر زندانی در زندانهای تهران، شهرستانهای متعلق به سازمانهای گوناگون سیاسی دارند که مدتهاست دوران محکومیت شان بپایان ورژیم شاه از آزاد کردن آنها امتناع میکند. در شرایطی آزاد کردن ۶۶ تن زندانی سیاسی آیا مردم را آرام کند؟ مردم ایران و افکار عمومی خواستار آزادی تلم زندانیان سیاسی هستند و به خود علیه رژیم ترور و اختناق تا حصول پیروزی خواهند داد.

ویژه نامه «دنیا»

بمنابت پنجاه سالگی سلطنت خانواده پهلوی عنوان «پنجاه سال تبه کاری و خیانت» بنا بدفتر علاقمندان تجدید چاپ شد.

رفیق گرامی!

کاشانیان

ککک شما بمبلغ ۹۵۰ دلار و ۱۲۲۰ آلمان فدرال رسید. بسیار سپاسگذاریم.